



آسیب شناسی معضل بیکاری در کشور

بیکاری اینجا، بیکاری اونجا، بیکاری همه جا!

اگر «اشتغال ناقص» را هم به آمار رسمی بیکاری در کشور بی‌افزاییم، نرخ بیکاری سر به فلک می‌کشد.

از جمعیت ۲۴ میلیون و ۲۰۴ هزار و ۲۰۱ نفری فعال کشور، نرخ معادل ۱۴/۶ درصد بیکار (رسمی) هستند؛ یعنی رقمی در حدود ۳/۵ میلیون نفر. در این بین، نرخ بیکاری جوانان تقریباً دو برابر نرخ بیکاری کل کشور است! بنا بر گزارش بانک جهانی (World Bank)، ۷۰ درصد جمعیت ایران را جمعیت جوان زیر ۳۵ سال تشکیل می‌دهد. بنا بر گزارش مرکز آمار، نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله در پایان زمستان سال گذشته، رقمی در حدود ۲۶/۶ درصد بوده است.

طبق همین آمار، نرخ بیکاری در حالی معادل ۱۴/۶ درصد بیان می‌شود که این رقم نسبت به پایان زمستان ۸۸ در حدود ۰/۵ واحد درصد افزایش یافته است. البته اگر چه به نظر بسیاری از کارشناسان، رقم اعلام شده از سوی مرکز آمار تا حدودی با واقعیت بیکاری در کشور تفاوت دارد، اما همین افزایش ۰/۵ واحد درصدی در نیمه اول سال - که در آن عموماً با رونق بیشتری در فضای کسب و کار و در نتیجه افزایش تقاضای کار مواجهیم - نگران کننده و سؤال برانگیز است.

مضاف بر بیکاری، معضل دیگری که اقتصاد امروز کشور با آن درگیر است مفهوم «اشتغال ناقص» (Underemployment) در بازار کار است که البته تعاریف دیگری همچون زیر اشتغال و یا نیمه بیکاری را هم شامل می‌شود.

بنا بر تعریف مرکز آمار، افراد نیمه بیکار، تمام شاغلانی هستند که در هفته مرجع (زمان آمارگیری)، در سر کار خود حاضر و یا غایب موقت بوده‌اند. این افراد به دلایل اقتصادی نظیر رکود، پیدا نکردن کار با ساعت

بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکار و موارد مشابه، کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده‌اند و خواهان یا آماده برای انجام کار بیشتر هستند.

ولی بر اساس بررسی‌های واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، اشتغال ناقص از بیکاری زمانی پیچیده‌تر بوده و گونه‌های متفاوتی دارد. یک گونه آن در مشاغل به وجود می‌آید که بنا به دلایلی همچون تغییر فصول و یا تفاوت‌های ناشی از تغییر مقاطع زمانی در سال، با بیکاری مقطعی مواجه می‌شوند. بیکاری کارگران ساختمانی و کشاورزان شاغل در روستاها در برهه‌ای از سال نمونه‌ای از این تعریف محسوب می‌شود. علاوه بر این، نیروی کاری که از توانایی بالایی در انجام کار برخوردار است، اما در شغلی فعالیت می‌کند که سختی با توانایی‌های او ندارد، نوع دیگری از اشتغال ناقص را رقم می‌زند. به عنوان مثال، اشتغال یک مهندس و یا پزشک در فعالیتی که نیاز به تحصیلات آکادمیک دانشگاهی ندارد (مثلاً کار با یک تاکسی)، از مصادیق این نوع از اشتغال ناقص به حساب می‌آید. علاوه بر این، اشتغال نیروی کاری که می‌تواند به عنوان یک نیروی تمام وقت مشغول کار باشد، اما در

کارهای نیمه وقت فعالیت می‌کند نوع دیگری از اشتغال ناقص به شمار می‌رود. نیمه اشتغال از آن جهت که همانند بیکاری باعث هدر رفتن منابع انسانی می‌گردد، نوعی نقیصه در بازار کار محسوب می‌شود.

منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

- ۲۴ "عددی نیستیم!"
- ۲۵ سونامی انسانی
- ۲۶ "برگ‌های برنده اشتغالزایی کم تعدادند"
- ۲۷ دانش غیرقابل انتقال
- ۲۸ از همه رنگ
- ۲۸ پُرکارتر و بیکارتر
- ۲۹ کار دولتی، کار راحت
- ۳۰ پول بیار، کار ببر

با نگاهی به وضعیت اشتغال نیروی کار در کشور، به راحتی درمی‌یابیم که بخش عمده‌ای از جوانان، اگر بیکار نباشند در وضعیت اشتغال ناقص به سر می‌برند که این مسأله، نگران کننده است. به علاوه، بر اساس گزارش واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، اشتغال ناقص شامل «بیکاری پنهان» نیز می‌شود. این نوع بیکاری را در کشورمان می‌توان در شرکت‌های دولتی که نیروی کار در آنها با «تورم» روبه‌رو است و بسیاری از ظرفیت‌های انسانی کشور به صورت روزمره هدر می‌روند، مشاهده کرد.

خیز بیکاری

متأسفانه اگر چه در خلال سال‌های اخیر شاهد کاهش نسبی نرخ بیکاری در کشور بوده‌ایم، اما همواره رقم مطلق بیکاری در کشور بالا بوده است. بر اساس برآورد هیأت چشم‌انداز ماهنامه «اقتصاد ایران» نرخ بیکاری در پایان سال گذشته، رقمی معادل ۱۴/۶ درصد اعلام شده است که این رقم با تعدیلات نرخ بیکاری توسط دولت، در سال جاری به عنوان نرخ رسمی بیکاری کشور اعلام شد. به طور قطع، شرایط نامساعد اقتصادی کشور و رکود جهانی، نقش بسزایی در افزایش تعداد بیکاران داشته است. بنا بر گزارش واحد تحقیقات «اقتصاد ایران»، در حالی که رشد جمعیت در سال ۸۹ همچون دو سال پیشین آن، با نرخ ثابت ۱/۵ درصدی افزایش می‌یابد، اما نرخ بیکاری اعلام شده از سوی دولت به ۱۴/۶ درصد رسیده است. علاوه بر این، نرخ مشارکت اقتصادی در کشور هم

هزار نفر/درصد

منظر خدمت

شاخص‌های اشتغال	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹
تعداد نیروی بیکار	۲,۲۲۲	۲,۵۶۸	۲,۹۹۲	۲,۴۶۶	۲,۵۴۰	۲,۹۸۵	۳,۳۲۷
رشد نیروی شاغل	۳/۸	۲/۱	۳/۶	۲/۶	۴/۱	۰/۹	۱/۶
رشد جمعیت	۱/۵	۱/۵	۱/۶	۱/۴	۱/۵	۱/۵	۱/۵
نرخ مشارکت	۳۸/۶	۴۱/۰	۴۰/۴	۳۹/۸	۳۸/۰	۳۸/۹	۳۹/۸

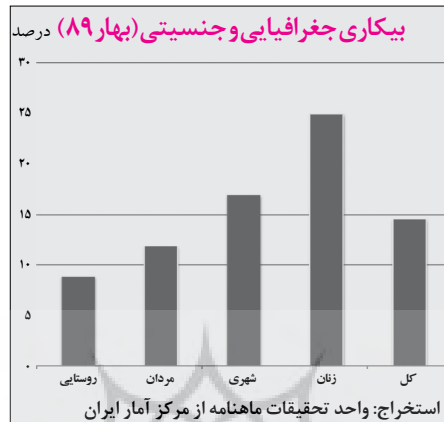
وضعیت ناخوشایندی دارد. این نرخ که از ۳۷/۲ درصد در سال ۸۱ با روندی صعودی به رقم ۴۱ درصد در سال ۸۴ رسیده بود، با روندی نزولی به رقم ۳۸/۹ درصد رسیده و پیش‌بینی می‌شود مجدداً با ۰/۱ واحد درصد کاهش در سال جاری مواجه شود. کاهش نرخ مشارکت جوانان می‌تواند به دلیل یأس از نیافتن شغل مطلوبشان باشد که در ادبیات اقتصادی از آن به عنوان "کارگر افسرده" (Discouraged Worker) نام برده می‌شود.

مسابقه بیکاری در شهر و روستا!

اگر بخواهیم بیکاری نقاط شهری و روستایی کشور را به تفکیک بررسی کنیم، باید بگوییم همان طور که از جمعیت شهرها برمی‌آید، نرخ بیکاری نقاط شهری، نسبت بیشتری را در قیاس با نقاط روستایی به خود اختصاص می‌دهند. بر اساس برآورد کارشناسان واحد تحقیقات ماهنامه، بیکاری در نقاط شهری معادل ۱۷/۸ درصد در پایان سال گذشته بوده، در حالی که این نرخ در نقاط روستایی معادل ۱۳/۲ درصد تخمین زده می‌شود. کارشناسان ماهنامه پیش‌بینی می‌کنند بیکاری نقاط شهری و روستایی در پایان سال جاری به ترتیب به ارقام ۱۸/۷ و ۱۴/۲ درصد برسد.

رشد بی‌سابقه واردات طی سال‌های اخیر که تأثیر بسزایی در افزایش رکود اقتصادی داشته، عامل مهمی در

تشدید بیکاری نقاط شهری و روستایی به شمار می‌رود. واردات انواع کالاهای دامی، کشاورزی و صنعتی از گوشت و برنج و میوه گرفته تا لوازم آرایشی و بهداشتی، مصالح ساختمانی و لوازم خانگی به دلایل مختلفی از جمله تنظیم بازار، علاوه بر آن که کفگیر صندوق ذخیره ارزی کشور را به ته دیگ زده، صدای عمده فعالان بخش تولیدی کشور را هم درآورده است. بسیاری از واحدهای تولیدی با اتخاذ چنین سیاست‌هایی، کرکره تولید را پایین کشیده‌اند و با تعدیل گسترده نیروی کار، خودشان هم به وارد کننده



تبدیل شده‌اند. مسؤولان بازرگانی خارجی کشورمان باید به این مسأله که تنها راه تنظیم بازار و قیمت‌ها، سیل عظیم واردات نیست، ایمان بیاورند. برای این منظور،

دولت باید سیاست‌های مشوق تولید را در بسیاری از صنایع و بخش‌های مولد که از مزیت داخلی برخوردارند به کار گیرد تا به جای واردات گسترده جهت تنظیم بازار، سیاست افزایش عرضه پیش گرفته شود. در حال حاضر، اگر چه تولید داخلی در بسیاری از بخش‌ها، قدرت رقابت پایینی با رقبای خارجی خود دارد، اما به موازات این مطلب، شاهد واردات بعضاً کالاهایی بوده‌ایم که نه تنها از کیفیت درجه یک برخوردار نبوده‌اند، بلکه در قیاس با نمونه داخلی هم در سطح پایین‌تری قرار داشته‌اند.

علاوه بر موارد مذکور، باید به نقش رکود جهانی، رکود تورمی در کشور، محیط نامتقارن کسب و کار و موارد مشابه که هرکدام به نوعی به تقویت بیکاری در کشور منجر شده‌اند اشاره کرد. سال‌ها است که کشورمان با معضل رکود تورمی روبه‌رو است، اما سیاست‌هایی را شاهد نبوده‌ایم که قدرتمندانه به رفع این مشکل کمک کنند. رکود جهانی و تشدید تحریم‌ها هم وضع را بدتر از گذشته کرده است. بنگاه‌های بسیاری در کشور ما به خاطر تعاملات بین‌المللی به بیماری رکود جهانی هم مبتلا شدند. این قبیل شرکت‌ها از عواقب تحریم‌ها مصون نیستند. مضاف بر این، کشورمان به شدت از حضور یک بخش خصوصی پویا محروم است. جمله این عوامل بیکاری را دامن زده‌اند. ■

مشاغل کاذب جوانان

"عددی نیستیم!"

احمد ۱۷ ساله که تا مقطع سوم دبیرستان تحصیل کرده، یکی از بیشمار افرادی است که این روزها به دلیل وضعیت نامناسب اشتغال جامعه، افزایش سرسام‌آور مخارج زندگی و عدم تطابق دخل و خرج خود، در حال پخش کردن کاغذهای تبلیغاتی در یکی از مناطق تهران است. وی معتقد است برای آن که بتواند از عهده مخارج برآید، باید به هر نحوی که شده کاری انجام دهد و منبع درآمدی برای خود دست و پا کند - حال این منبع می‌خواهد کاغذ پخش کردن باشد یا فروش کالاهای ارزان قیمتی نظیر دستمال کاغذی یا آدامس و مانند آنها.

متهم‌های ردیف اول

یقیناً تورم یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در راستای آسیب شناسی مشکلات اشتغال نامناسب جوانانی همچون احمد که منتج از فضای کنونی بازار کار ایران است، باید به چالش کشیده شود. افزایش مداوم شاخص عمومی قیمت‌ها که تأثیرات زیادی در حوزه‌های گوناگون بر جای گذاشته است، بسیاری از بنگاه‌های تولیدی را آنچنان در منگنه قرار داده که برای تنظیم تراز دریافتی و پرداختی خود، دست به تعدیل نیروی کاری می‌زنند که زمان و هزینه زیادی برای آموزش و بالندگی آن صرف کرده‌اند. البته نباید این مسأله را فراموش کرد که موارد متعددی در ایجاد فضای نامتقارن کسب و کار کشور دخیل هستند. نظام مالیاتی نامتعارف که همه را با یک نگاه نمی‌نگرد، بانکداری و



بازار سرمایه پُرسرک، سیاست‌گذاری‌های نادرست در زمینه واردات، عدم حمایت مالی بخش خصوصی و ده‌ها عامل دیگر، همگی تأثیر شگرفی بر فضای کنونی کسب و کار کشور دارند. اگر مشکلات فضای تولید و رشد اقتصادی در کشور مرتفع گردند، حجم مشاغل کاذب هم به میزان قابل توجهی کاسته خواهد شد. قطعاً افراد بسیاری وجود دارند که حتی شرایط بدتری از احمد دارند و مجبور شده‌اند برای سیر کردن شکم خود و افراد خانواده‌شان، برای همیشه درس و تحصیلشان را رها کنند. چه بسا اگر شرایط اقتصادی کشور از حال و روز خوبی برخوردار بود، اشتغال در کشور وضعیت بسامانی داشت و هزینه‌های زندگی تا این حد کم‌رشد نبودند، این افراد با ادامه تحصیل خود در مقاطع عالی، پزشکان، مهندسان و مدیران آتی این کشور بودند. اما اوضاع "بد قلق" کنونی کشور، تمام امیدهای آنها را به یأس تبدیل کرده و در حال به هدر دادن استعدادهایشان است.

گذرانیدن وقت برای کسب درآمد از این طرق، زمان لازم را برای تحصیل، آموزش، پژوهش و تحقیق از نیروی انسانی در جامعه سلب می‌کند. کاهش ارزش فراگیری علم، محرک دیگری خواهد بود که نیروی انسانی را به سمت و سوی فعالیت در حوزه کارهای فیزیکی می‌کشاند و در نتیجه در بلند مدت، اقتصاد کشور از رشد و توسعه متعالی علم محور باز خواهد ماند.

احمد معتقد است فراگیری علم، اگر چه بسیار مطلوب است، اما باید هزینه‌هایی را هم که با فراگیری علم پرداخت می‌شود در نظر گرفت. وی ادامه می‌دهد منظور از هزینه فقط هزینه‌های پولی نیست، بلکه هزینه‌های فرصت تحصیل هم در این میان مطرح‌اند. به عنوان مثال، حاضر شدن در سر کلاس درس به معنای این است که وقت برای کسب درآمد - ولو ناچیز - از دست خواهد رفت.